

با این که در دو دهه اخیر بیشتر در قاب تلویزیون او را دیدیم و البته که حضور درخشان و خوبی داشته است اما از نقش‌های ماندگار او در سینما هم نمی‌توان به‌سادگی گذشت. آن زمان که تعداد بازیگران برتر زن سینمای ایران به کمتر از انگشت‌های یک دست می‌رسید فاطمه گودرزی با بازی در فیلم «می‌خواهم زنده بمانم» جای خود را به خوبی باز کرد و در ذهن مخاطب ماندگار شد، فارغ از آن قطعا مخاطبان سینما پیرزن بامزه «از دواج صورتی»، مادر «همسر دلخواه من»، «دست‌های خالی» و... را از یاد نخواهند برد. فاطمه گودرزی این روزها با فیلم «داش آکل» روی پرده سینماست به همین بهانه با او به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه می‌خوانید.

فکر می‌کنم پیشنهاد بازی در فیلم «داش آکل» از این حیث که براساس یک متن مهم و ماندگار در ادبیات است و مسعود کیمیایی نیز پیش‌تر براساس آن فیلمی ساخته است برای یک بازیگر و سوسه‌انگیز و از سوئی دیگر به سبب پیش‌زمینه ذهنی مخاطب پرریسک باشد. برای خود شما کدام بعد پررنگ‌تر بود و چه جوهی از آن جذبتان کرد؟

همان‌طور که گفتید این قصه جذابیت‌های خاص خودش را دارد اما این که هر کسی چطور به آن نگاه کند و بپردازد آن را متمایز و متفاوت می‌کند. در مورد این که می‌گویید شاید پذیرش این نقش ریسک باشد باید بگویم به عقیده من این ریسک را بیشتر بازیگری که نقش داش آکل را بازی کرده به جان خریده؛ اما مادر مرجان، مادر مرجان است. درست است که نقشی که من آن را ایفا می‌کنم یکی از نقش‌های قابل توجه قصه است اما چون نقش اصلی نیست بالطبع ریسک‌پذیری آن هم مثل شخصیت اصلی یعنی داش آکل نبوده است به علاوه این که شخصیت مرجان در این فیلم نقش و حضور پررنگ‌تری دارد.

برای قرارگیری در این فضا و ایفای نقش مادر مرجان تحت تاثیر داستان «داش آکل» و یا فیلمی که آقای کیمیایی ساختند، بودید یا سعی کردید فارغ از هر چیز به گونه‌ای متفاوت ظاهر شوید؟

زمانی که این شخصیت را بازی می‌کردم خیلی از صحنه‌ها و سکانس‌های فیلم «داش آکل» آقای کیمیایی یادم رفته بود و آنچه در خاطر مانده بود تنها ارتباط و احساس داش آکل به مرجان بود، حتی در آن فیلم تا جایی که یادم می‌آید، حضور مرجان پررنگ نبود و فقط احساس او در فیلم جاری بود. به نظرم یکی از زیبایی‌ها و ظرافت‌های آن فیلم همین بود که ما بیشتر این حال و هوا را داشتیم و تحت تاثیر آن بودیم تا حضور پررنگ مرجان؛ البته که «داش آکل» ساخته آقای عرب نیز کاری است با پرداخت جدید و به‌نوعی متاثر از نگاه او به زنان. با همه این تفاسیر، معتقدم اگر قرار بود براساس متن «داش آکل» فیلمی ساخته شود باید به‌طور کل با ساختار متفاوت و تازه‌ای ساخته می‌شد، برداشتی از قصه صادق هدایت اما بدون هیچ شباهتی به آنچه قبلا بوده چرا که اگر این شباهت‌ها به قصه‌ای که بسیار مورد توجه مردم است، زیاد باشد در درجه اول ریسک بزرگی برای کارگردان به حساب می‌آید البته آقای عرب این ریسک را پذیرفتند و این کار را انجام دادند.

یکی از تفاوت‌های پررنگ فیلم «داش آکل» با متن اصلی و ساخته آقای کیمیایی حضور پررنگ‌تر زنان قصه است، خود شما به‌عنوان بازیگر چقدر با نگاه محمد عرب به این قصه همسو بودید و برایتان جذابیت داشت؟

تنها تفاوت این فیلم با آثار دیگر که گفتید این است که نقش مرجان پررنگ‌تر و نگاه زنانه در روایت قصه بیشتر شده است. به نظر من این فیلم می‌توانست بیشتر از این‌ها متفاوت باشد، این امکان و تاریخ داشت که بخش‌هایی از قصه کاملا به هم بخورد، تغییر کند و یا حتی در تاریخ و زمان دیگری روایت شود. البته همه این‌ها نشات‌گرفته از سلیقه است، ظاهرا دوستان چون متن اصلی را دوست داشتند خیلی سعی نکردند آن را تغییر دهند و از آن دور شوند. به نظرم فقط نقش مرجان در این اثر پررنگ‌تر شده است.

در سال‌های دهه ۶۰ و ۷۰ نگاه به متون ادبی و وام گرفتن از آن، همچنین توجه به جریان اقتباس در سینمای ایران نقش پررنگی داشت و حتی برترین آثار فیلمسازی چون داریوش مهرجویی بر مبنای اقتباس ادبی ساخته شد، این در حالی است که در دهه‌های اخیر اقتباس و توجه به آثار ادبی در خلق یک قصه در سینمای ایران گم شده است. اما «داش آکل» در چنین برهوتی ساخته شد!

از این بابت باید به آقای محمد عرب تبریک گفت، آقای عرب فیلم شریفی ساختند و ریسک بزرگی را به جان خریدند حتی زمانی که قرار بود عنوان فیلم نهایی شود ایشان با وجود آن که می‌توانستند نام‌های دیگر روی فیلم بگذارند، تصمیم گرفتند همان نام «داش آکل» را برای این اثر انتخاب کنند. به هر حال این کار خطرناکی بود ما که نمی‌دانیم در فروش فیلم چه اتفاقی خواهد افتاد من به‌شخصه به‌عنوان بازیگر نمی‌دانم آن اثری که بازی می‌کنم بعد از آن که آماده نمایش شد چقدر از سوی مخاطبان، منتقدان و... مورد توجه قرار می‌گیرد و موفق ظاهر می‌شود، با همه این اوصاف آقای عرب این ریسک

فاطمه گودرزی از «داش آکل» به «صبا» می‌گوید

فیلم بی‌هویت بازی نمی‌کنم!

این فیلم آنقدر قابل دفاع هست که آن را همراهی کنم



را کردند و همان عنوان «داش آکل» را برگزیدند. طبیعی است که همه بخواهند این اثر را با فیلم آقای کیمیایی مقایسه کنند. من امیدوارم همه درک این موضوع را داشته باشند که این فیلم براساس نگاه آقای عرب به این قصه و توجه ویژه او به شجاعت و جسارت یک زن در آن دوره زمانی ساخته شده است به هر حال در آن دوره زمانی بودند زنانی که چنین خصوصیتی داشتند، به‌طور کل آنچه در حال حاضر روی پرده است با خود قصه نوشته صادق هدایت نیز تفاوت دارد.

خانم گودرزی شما در کارنامه کاری خود حضور در ژانر کمدی را داشتید همچنین در آثار اجتماعی چه سینمایی و چه سریال دیده شدید، خیلی به تمرکز روی یک فضای خاص و مرزبندی در بازیگری قائل نیستید؟

جزو آن دسته از بازیگران نیستم که بگویم فقط در یک ژانر خاص کار می‌کنم، اگر شخصیتی وقار داشته باشد آن را می‌پذیرم، اگر کاری جایگاهی در این حرفه و هنر هفتم داشته باشد حتما قبول می‌کنم. البته هنوز خیلی کارها هست که باید انجام دهم ولی متأسفانه پیشنهادهایی بابت کامل کردن شخصیت‌هایی که همیشه در ذهنم بوده است، نداشتم.

شما با ایفای نقش در فیلم سینمایی «می‌خواهم زنده بمانم» حضور ماندگار و قابل توجهی در سینما داشتید اما بعد از آن، فعالیتتان بیشتر در تلویزیون متمرکز شد، علت این فاصله محسوس از سینما چه بود؟ در تلویزیون پیشنهادهای بهتری داشتید یا جبر شرایط حاکم بر سینما که همه از آن باخبر هستیم باعث شد روی پرده سینما خیلی دیده نشوید؟

همان مسائلی که از آن خبر داریم باعث شد؛ همان مسائلی که در حال حاضر با چه غلظت و شدتی در سینما وجود دارد و تبدیل به یک معضل شده است، این شرایط از اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ در سینما حاکم شد و متأسفانه همین‌طور ادامه پیدا کرد. من ترجیح دادم به جای آن که در سال یک یا دو کار بی‌ارزش و ضعیف در سینما کار کنم در مدیومی دیگر در اثری که در آن موقعیت درست‌تر و بهتری دارم و خود کار نیز باارزش است، حضور پیدا کنم مثل «خانه‌ای روی تپه»، «ماه منیر» و... آثاری که قابل توجه هستند و توانستند با مردم ارتباط خوبی برقرار کنند تا این که بخواهم در سینما کارهای بی‌ارزش و بی‌هویت انجام دهم.

شما این اواخر در سینما با دو اثر نسبتا کم‌دی حضور داشتید فیلم «آنچه مردان درباره زنان نمی‌دانند» و «دختر عمو، پسرعمو» هر دو این آثار با فیلم «داش آکل» که یک اثر عاشقانه و تاریخی است تفاوت دارد، جایگاه فیلم «داش آکل» در کارنامه کاری شما کجاست و چقدر حضورتان در آن برای خود شما رضایت‌بخش بوده است؟

من این فیلم را بسیار دوست دارم و حتی روزی که برای افتتاحیه آن رفتم اصلا انتظار نداشتم کار تا به این اندازه مقبول باشد. از صمیم قلب به آقای عرب خسته‌نباشید می‌گویم. «داش آکل» فیلم شریفی است، اگر سعی نکنیم مقایسه کنیم و بدون دلیل منطقی مدام فیلمی را بگوئیم و تحقیر کنیم این اثر جایگاه خوبی دارد.

چند روز پیش مصاحبه‌ای منتشر شد که در آن از بازیگران فیلم «داش آکل» به‌خاطر عدم حضور در مراسم این فیلم گله شده بود، واکنشی به این صحبت‌ها ندارید!؟

من در تمام طول مدت اکران این فیلم سر ضبط کار آقای همایون اسعدیان بودم و حتی فرصت حضور در مراسم افتتاحیه فیلم «داش آکل» را به سختی مهیا کردم. تمام روزهایی که ایشان تمایل داشتند تا ما در اکران‌های مردمی حضور پیدا کنیم من شب کار و یا روز کار بودم و متأسفانه فرصتی برای این که من بتوانم تا پایان همراه باشم ایجاد نشد. یک گله دارم از آقای پراهمی، من برای ایشان احترام بسیار زیادی قائل هستم اما از حرف‌هایی که در مصاحبه‌شان زدند مبنی بر همراه نبودن بازیگران، کاملاً جا خوردم. ناراحت شدم چون احساس کردم به کل بازیگران بی‌احترامی شده است. البته من طی تماسی تلفنی به خود آقای عرب توضیح دادم که اگر بعد از اکران افتتاحیه در هیچ اکرانی حضور نداشتم صرفاً به‌خاطر مشغله کاری بوده است و گرنه شخص آقای عرب آن قدر قابل احترام هستند و این فیلم آن قدر قابل دفاع است که من به راحتی درباره آن حرف بزنم، مصاحبه کنم و یاد اکران‌های مردمی آن حضور داشته باشم.